

آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه

در آئینه خاطرات

حکایت آغاز تحریم تنباکو و نقش علمای اصفهان

آیت‌الله صافی رحمۃ‌الله‌علیه از والد مکرم‌شان، آیت‌الله آخوند ملا محمدجواد صافی رحمۃ‌الله‌علیه نقل می‌فرمودند که مبدأ و منشأ تحریم تنباکو، توسط حضرات علمای بزرگ اصفهان، یعنی آقایان مسجد شاهی و آقاجنقی، به همراه برادر ایشان، مرحوم ثقه‌الاسلام، پایه‌گذاری شد.

ایشان (آخوند ملا محمدجواد صافی) می‌فرمودند: ابتدا آیت‌الله شیخ محمدعلی ثقه‌الاسلام، تنباکو را تحریم کردند. هنگامی که ظل‌السلطان از این حکم مطلع شد، ایشان را احضار کرده و به‌شدت تهدید نمود که باید حکم تحریم را لغو نمایند.

آخوند ملا محمدجواد صافی ادامه دادند که در همان روز، بنده که در خدمت استاد خود، آیت‌الله آقاجنقی بودم، در مسیر به مرحوم ثقه‌الاسلام برخوردیم که از مجلس تهدید ظل‌السلطان خارج شده بودند و آثار ناراحتی عمیق از چهره‌شان هویدا بود. آیت‌الله آقاجنقی علت را جویا شدند؛ مرحوم ثقه‌الاسلام با تأسف فراوان پاسخ دادند که: «همه‌اش تهدید، همه‌اش اهانت، همه‌اش توهین!»

فردای آن روز، مرحوم آیت‌الله آقاجنقی بر منبر رفته و تحریم تنباکو را رسماً اعلام کردند. این اقدام منجر به صدور حکم تبعید از سوی ظل‌السلطان برای هر دوی این برادران بزرگوار (ثقه‌الاسلام و آقاجنقی) گردید. در همین برهه زمانی بود که حکم تحریم میرزای بزرگ نیز رسید و درباره ظل‌السلطان را وادار ساخت که حکم تبعید این دو برادر را به‌کلی لغو نماید.

حکم فقیه شیعه به درخواست پلیس مکه

مرحوم شیخ‌الفقها که همواره بر اخلاق نیکو و مدارا با مردم تأکید داشتند. نقل می‌فرمودند:

در سفری به مکه مکرمه، محل اسکان ما تا مسجدالحرام قدری فاصله داشت. در میانه مسیر، ساختمان اداره‌کل شرطه قرار گرفته بود و مأموران آنجا گاهی بیرون می‌آمدند، بر روی نیمکت‌هایی می‌نشستند و با برخی از رؤسای خود گفت‌وگو می‌کردند.

من که همیشه با لباس روحانیت در همان مسیر رفت‌وآمد داشتم، هر روز هنگام عبور، به آنان سلام می‌کردم. روزی که طبق معمول سلام کردم، مسئول آن‌ها برخاست و پاسخ داد و تعارف کرد که کنارشان بنشینم. بالاخره ما نشستیم. از او پرسیدم: «اهل کجا هستید؟» گفت: «اهل نجرانم.» در این هنگام، ماجرای مباحله پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با نصاری نجران را برایش بازگو کردم. برایش بسیار جالب بود؛ با آنکه وهابی بود، این سخن در نفشش اثر گذاشت.

روزی دیگر همان مأموران نزد من آمدند و گفتند: «مأمورکل شما را احضار کرده است.» هنگامی که رفتم، دیدم دو نفر را نیز آورده‌اند: یکی ایرانی و دیگری از اهل مکه که در معامله‌ای میان‌شان اختلافی پیش آمده بود. ایشان را نزد رئیس شرطه برده بودند و او دستور داده بود که هر دو را نزد من بیاورند و گفته بود:

«هر حکمی که ایشان صادر کنند، همان اجرا خواهد شد.»

ادامه از صفحه قبل

اگر در سرزمین‌های اسلامی، سکوتی نسبت به مسائل محوری جهان اسلام دیده می‌شود، همه به عملکرد سران آنجا باز می‌گردد؛ وگرنه ملل مسلمان در قبال مقدسات خود اهل سکوت نیستند.

حل قضیه فلسطین را در اقتدا و پیروی از مکتب حسینی است. مسئله فلسطین، مسئله امام حسین علیه‌السلام است و فلسطینیها اگر بخواهند موفق شوند، باید از قیام اباعبدالله الحسین علیه‌السلام درس بگیرند.

مکتب امام حسین علیه‌السلام دانشگاه فراگیری است که تمامی اقشار مختلف جامعه، از یک مرجع تقلید تا یک روستایی شاگرد آن هستند.»

«جنایت رژیم صهیونیستی در غزه نتیجه سکوت بعضی سران کشورهای اسلامی است. اگر همه مسلمانان جهان با هم متحد شوند، مسئله فلسطین به‌راحتی حل خواهد شد.

روز به روز رژیم صهیونیستی با انجام جنایت‌های مختلف، قساوت قلبی و وحشی‌گری خود را به نمایش می‌گذارد. این جنایت اوج وحشی‌گری و خبائت رژیم صهیونیستی را به جهانیان نشان داد؛ لذا کسانی که امروز در صحنه‌های بین‌المللی از رژیم صهیونیستی حمایت و پشتیبانی می‌کنند و نمی‌گذارند، مردم دنیا آنها را سرجای‌شان بنشانند، اینان نیز خود در جنایات رژیم صهیونیستی شریک هستند.

این رژیم جنایت‌کار از سالیان پیش به چنین جنایت‌هایی دست می‌زد و از همان زمان برنامه ظلم و ستم‌شان نسبت به مظلومان وجود داشته و هم‌اینک نیز ادامه دارد.

خوشبختانه ملت‌های مسلمان در طول تاریخ با حرکت‌های مردمی خود، این جنایت‌ها را محکوم کرده‌اند؛ اما سران بعضی از دول اسلامی که خودفروخته و مزدور هستند، در این

پاسخ متقن

آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه

به نامه‌ای از آمریکا

درباره عظمت اسلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه، در پاسخ به نامه یکی از ایرانیان مقیم آمریکا- که از هتک حرمت اسلام به‌دست فردی خداناباور و مزدور محافل مسیحی شکایت کرده بود- موضعی روشنگر و استوار اتخاذ نمودند.

آن نویسنده، با اشاره به تألیف کتاب‌های متعدد از سوی آن فرد، ابراز نگرانی کرده بود که چنین اقداماتی با هدف فریب هم‌وطنان و دوساختن مسلمانان از دین حق اسلام صورت می‌گیرد و از مرجع عالی‌قدر خواسته بود تا پاسخی قاطع و روشنگرانه ارائه دهند.

آیت‌الله‌العظمی صافی‌گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه در بخشی از اثر ارزشمند خود، سفرنامه «ارمغان مشهد»، به‌تفصیل به این پرسش پرداخته و ضمن تبیین حقیقت اسلام و رسالت علمای دین در پاسداری از ایمان مردم، پاسخ مستدل و اثرگذاری را بیان داشته‌اند که شرح آن در ادامه آمده است.

- سؤال:** این بنده مسلمان خداوند تبارک

و تعالی به‌عنوان یک وظیفه دینی به پیشگاه محترم حضرت مستطاب آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی با نهایت احترام معروض می‌دارد، در این کشوری (آمریکا) که این بنده ناچار به زندگی شده‌ام، یک خدانشناس زندق و نامسلمان به سر می‌برد که این فرد لامذهب و نامسلمان چندین کتاب درباره خارج‌کردن هم‌میهنان مسلمان ما از دین برحق اسلام با پول‌هایی که انجمن‌های مسیحی به او می‌پردازند، نوشته و فقط خدا می‌داند تا چه اندازه به دین مبین اسلام و قرآن کریم بی‌احترامی و اهانت کرده و مدّت ۳۰ سال است، از تلویزیون و اهانت کرده و مدّت ۳۰ مزدور به همه شئونات مقدس ما مسلمانان توهین و اهانت می‌کند و مردم مسلمان را گمراه می‌کند.

حضرت آیت‌الله، من در راستای وظیفه دینی یکی از کتاب‌هایی را که او در اهانت و توهین به اسلام نوشته، به ضمیمه این نامه محضر عالی تقدیم می‌دارم.

● **پاسخ:** از عجایب روزگار ما و شگفت‌انگیزترین نوشته‌ها اوراقی هست که به‌نام «روان‌شناسی محمد» به‌نام واقعی یا مستعار مسعود انصاری در آمریکا به زبان انگلیسی منتشر شده است و بعضی از مؤمنین برای حقیر فرستاده‌اند که در تاریخ رذنویسی و انتقاد به مکتب‌های گوناگون از این رذیه سست‌تر وجود ندارد.

به اسم روان‌شناسی، دعوت بزرگ و فراگیر اسلام و زندگی شخص رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به‌گمان خود زیر سؤال برده است، به همه انبیاء علیهم‌السلام جسارت ورزیده و معجزات آنها را به استهزاء گرفته است. در همه‌جا همه چیز را بر عکس معنی و تفسیر کرده است: نور را ظلمت گرفته و ظلمت را نور شمرده، عدل را ظلم و ظلم را عدل، حق را باطل و باطل را حق و راست را دروغ و دروغ را راست انگاشته است.

تمام این حرکت بزرگ تاریخ و سازنده جهان نوین و اصول اساسی انسانی که تا آن زمان مجهول یا ناگفته مانده بود و نیز این اعلامیه‌های

تمدّن‌ساز قرآن و رسالت واحده توحیدی قرآن که به‌گفته جامعه‌شناس بزرگی مثل گوستاولوبون فرانسوی «تاج افتخاری است که در بین ادیان بر سر اسلام است»، همه را مستند به عقده تیممی و محرومیت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شمرده است که به این گمان فاسد، مثل این تهمت، به حضرت ابراهیم خلیل و حضرت موسی علیهم‌السلام نیز وارد می‌شود.

شخصیتی را که به تصدیق بزرگترین محققان دنیا در بین مصلحان بشری کسی موفق‌تر از او نبوده و نخواهد آمد، با تعبیرات زشتی یاد کرده و نقاط ضعفی را به قول خودش برشمرده که همه، نقاط قوت و افتخار است.

کارهای برجسته و اصلاحی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مبارزات او با جهالت‌ها، تبعیضات، بت‌پرستی، عادات زشت غیرانسانی را یا یاد نکرده یا مورد انتقاد قرار داده است.

شخصیتی که حتی کسانی که او را پیغمبر نمی‌دانند، وی را از رجال بزرگ و عقل در اصلاح می‌دانند و بشریت را مدیون خدمات او می‌شمارند، معلوم نیست به چه عنوان مورد جسارت قرار می‌دهد؟!

دانشمندی مثل تولستوی می‌گوید: «محمّد از رجال باعظمت و [از] مصلحین بشری است که خدمات‌های بزرگی به بشریت کرده و افتخاری بزرگ به وجود آورده است. او کسی است که زنده به‌گورکردن دختران را منسوخ و ممنوع کرد. مردی مثل او سزوار اکرام و احترام است.» و کارلایل در بین پیغمبران، فقط او را موفق می‌داند.

دیگری می‌گوید: «در ظرف مدّت کوتاه ۲۳ سال، چهار کار بزرگ انجام داد که هرکدام برای موفقیت، به‌طور عادی محتاج به یکصدسال وقت و زحمت است؛ امتی را تحت لوای نورانی توحید تشکیل داد، دولت و اساسی برقرار کرد که قلمروی سیاسی آن به گستردگی آسیا و آفریقا را گرفت و به اروپا رسید. قوانین و نظاماتی در همه رشته‌های حقوقی، مدنی، اقتصادی و سیاسی برقرار کرد که در امروز و دنیای معاصر همچنان زنده است و جامعه‌ای به وجود آورد که در ایثار،

مسئله کوتاه آمده‌اند و دلیل اصلی کوتاهی آنان، وابستگی به بیگانگان است.

اگر همه مسلمانان جهان با هم متحد شوند، مسئله فلسطین به‌راحتی حل خواهد شد؛ ولی برخی تنها به حرف و اظهار نظر اکتفا می‌کنند که سبب تأسف جهان اسلام است و متأسفانه امروز سازمان کنفرانس اسلامی موجودیتی ندارد؛ چراکه نمی‌تواند، از مظلومان جهان آن‌طور که باید، حمایت کند.

متأسفانه بعضی از آنان نیز گروه‌ای خودفروخته به اجانب هستند؛ درحالی‌که باید از اسلام و مسلمانان جهان دفاع کنند و موجودیت خود را به اثبات برسانند. مسلمانان بر سر غیرت بیایند و متوجه شوند که «الاسلام یعلاو ولایعلی علیه» و سران کشورهای اسلامی بدانند، با چه کسانی دوستی می‌کنند.»

ایشان همچنین در پاسخ به استفتائی درخصوص حکم معامله کالاهای صهیونیستی و معاملات مستقیم یا غیرمستقیم با شرکت‌های اسرائیلی و صهیونیستی می‌گویند:

«خرید محصولاتی که موجب تقویت صهیونیست بشود، حرام است.»

از دیگر بیانات ایشان: «آنچه در فلسطین اشغالی از اهانت به مقدّسات شریفه مسلمین اتفاق افتاده، اهانت به مجد و شرف و عزّت همه انسان‌هاست؛ همه باید در برابر این وحشی‌گری‌ها بپا خیزند و جهانیان را از کبر و تفرعن و برتری‌جویی صهیونیزم نجات دهند....»

اگر مسیحیت و کلیسا و اگر حتی آمریکا، با همه دعوی استعلالی که دارد، در استضعاف صهیونیزم قرار گرفته و ننگ تبعیت و بردگی آنها را پذیرفته‌اند، مسلمانان غیور در سراسر جهان با تمام توان و قدرت، این برنامه‌های ضدّ انسانی صهیونیزم را محکوم کرده، تا زوال و نابودی رژیم غاصب فلسطین برای مقاومت و عمل ایستاده‌اند.»

قرآن کتاب خداست و تا دنیا هست،

قرآن باقی است و هدایت‌های آن، مقبول عقلاء

و همه ملل و امم است. نوابغ عقل و علم

که پس از اسلام در داخل این دین پرورش یافتند

و قله‌های بلند علم و دانش را فتح کردند

به اسلام و اینکه از اّمّت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشند

افتخار می‌کنند.

یگانه مکتب استکبارستیز، استحقاربرانداز،

عدالت‌پایگاه و مکتب ایثار و برادری همگانی

اسلام، قرآن و تعالیم محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

علم و اخلاق نمونه و ممتاز شد.

کسی نیست از این مسعود انصاری مجهول‌الهویه یا معلوم‌الهویه سؤال کند: نسبت جنگ‌جویی و جنگ‌طلبی به دینی که با همه عوامل جنگ و نزاع و نفاق مبارزه داشته و دارد، چگونه مطرح‌کردنی است؟!

مواضع پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را که همه برای تأمین امنیت، خیر و اصلاح بشر لازم است و ضرورت دارد، به گرایش به قتل و غارت تفسیرکردن، خطایی است که بر کسی پوشیده نیست. این همه نقاط کمال، اصلاح و خیر را در دعوت اسلام، سیره پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آیات قرآن فراموش می‌کنید؟!

چرا از حقّ اسلام به بانوان از منع پیغمبر اسلام از «وَاد بَنَات» و زنده به‌گورکردن دختران که مثل عمرین خطاب در جاهلیت شش دختر خود را زنده به‌گور کرد، حرفی نمی‌زنید؟!

چرا از آیات قرآن مجید مثل ﴿تَعَالَوْا إِلَى کَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَکُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ﴾، ﴿إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرٍ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾، ﴿اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾، ﴿إِنَّ أَكْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاکُمْ﴾، ﴿لَا تُظَاهِمِینَ الْعَظِیْطَ وَالْعَافِیْنَ عَنِ النَّاسِ﴾، ﴿الصُّلْحُ خَیْرٌ﴾، ﴿وَالَّذِیْنَ إِحْسَانًا﴾ و صدها پیام انسانی که تا امروز همه دنیا را مخاطب قرار می‌دهد، سخنی نمی‌گویید؟!

نفی دعوت اسلام و قرآن، نفی انسانیت، نفی عدالت، نفی وحدت و نفی رحم و انصاف و نفی مساوات است. جنگ و قتال هم برای دفاع از این اصول و ضعفاء و رفع مستکبران لازم، مشروع و انسانی است.

به کدام‌یک از نواهی اسلام اعتراض دارید؛ به حرمت خیانت در امانت، به حرمت دروغ، به حرمت ظلم، به حرمت زنا و فحشاء، به حرمت ربا، به حرمت غصب، به حرمت رشوه؟!

به کدام‌یک از اوامر اسلام ایراد می‌کنید؛ به وجوب نماز و عبادت خدا، به صداقت، به امانت، به رعایت عدالت، به رعایت قانون، به اخوّت و برادری و به مکارم اخلاق و...؟!

قرآن کتاب خداست و تا دنیا هست، قرآن باقی است و هدایت‌های آن، مقبول عقلاء و همه ملل و امم است. نوابغ عقل و علم که پس از اسلام در داخل این دین پرورش یافتند و قله‌های بلند علم و دانش را فتح کردند، به اسلام و اینکه از اّمّت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشند، افتخار می‌کنند.

همه در برابر قرآن و همین آیات جنگ و قتال سرتعظیم فرود آورده‌اند. دفاع از مصالح جامعه و دفع استکبارگران، استضعاف‌پیشگان و احقاق حق مردم و اجرای عدالت نه فقط ترویج تروریسم نیست، بلکه حافظ حیات و نوامیس مردم است. مکتب اسلام، بالاتر از این است که با فحش، جسارت و ناسزاگویی افراد مغرض و ملحد یا مزدور در آن خللی وارد شود.

الحمدلله روز به روز ارکان مترقی و دعوت انسانی آن، بیش از پیش مطرح می‌گردد و اسلام، خود با هویت خودش، نگهبان و حافظ خود است.

یگانه مکتب استکبارستیز، استحقاربرانداز، عدالت‌پایگاه و مکتب ایثار و برادری همگانی، اسلام، قرآن و تعالیم محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

نام محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جاودان است و یگانه نامی است که هر روز میلیاردها بار بر زبان‌ها تکرار و به عظمت یاد می‌شود. این اوراق‌پاره، جز افشای نیتات پلید نویسندگان آنها اثری ندارد والحمدلله رب العالمین.

